

## متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام عليكم: سوال اول: همانطور که می‌دانید نفس و جان ما بعد از خواندن آراء مختلف یا خوردن غذای مسموم روحی دچار مسمومیت می‌شود گویی که این افکار در عمق ذهن ما لانه می‌کند و هر چه قدر تلاش می‌کنیم خارج کنیم سخت است چه راهکاری برای درمان و اعتدال مزاج روحی و روانی ما پیشنهاد می‌کنید که از این حال و هوا در بیاییم و به زندگی طبیعی «قل انما انابشر مثلکم» در بیاییم؟ سوال دوم: چرا مخالفان فلسفه یا حتی عرفان بعضی از آنها شاگردان حضرت آیت الله جوادی مثل احمدی یا شاگردان آیت الله حسن زاده هستند. مگر در کلاس درس چه نحوی به آنها تدریس می‌شود که این عزیزان که ماشاء الله خیل کثیری هم از آنها یا علامه هستند یا آیت الله و بحث خارج و گویا لقب علامه در این روزگار شبه نقل و نبات شده است سوای اینکه شاگردان علامه حسن زاده با علامه جوادی آملی باشند، این اتفاق میمونی در حوزه نیست و باعث گمراهی نسل جوان می‌شوند؟! سوال سوم: شناخت پروردگار اثبات اصل وجود خدا یقینی است یا ظنی، اگر علم کلام را ملاک قرار دهیم که هنوز در حدوثش و قدمش درمانده است اگر فلسفه را ملاک قرار دهیم بر برهان علیتش و ضرورت علی و معلولی اش هزاران شبهه وارد کردند اگر عرفان را ملاک قرار دهیم که شهود و قابل اقامه برهان نیست. با این حساب ما بیچاره‌ها چه کنیم؟ شناخت ما یقینی است یا ظنی؟ و ایمانی که بر اساس ظن است چه ایمانی از آب درمی‌آید؟ سوال چهارم: اثبات خداوند برای جنابعالی یقینی برهانی است یا ظنی؟ سایر اعتقادات چی؟ البته منظورم تفتیش عقاید نیست می‌خواهم بدانم در این شلم و شوربایی که مخالفین فلاسفه و عرفان و مادیدگراها و مکاتب دیگر درست کرده اند امکان حصول یقین عقلی هست یا نه؟ سوال پنجم: عزیزانی که مخالف فلسفه و عرفان هستند وقتی در بیوگرافی شان مطالعه می‌کنم نوشته شده فلانی متولد سال فلان متکلم، فیلسوف و فلان بهمان معاصر است که ... که درس فلسفه خود را نزد علامه طباطبایی یا علامه جوادی یا فلان آیت الله خوانده این خیلی باعث فشار روحی می‌شود که بله اینها به افساد فلسفه پی برده اند ولی استاد طاهرزاده و من و مریدان فلسفه از آنها بهتر می‌فهمیم واقعا پاسخ جواب چیست؟ تشکر یا علی مدد

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم: ۱. در این موارد هر اندازه انسان خود را به امور متعالی مشغول کند از خیالات واهی آزاد می‌گردد. در این مورد خوب است سری به کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» زده

شود. ۲. نمی‌دانم. شاید نتوانسته‌اند مطلب را درست بگیرند و با آن فکر کنند. ۳. ایمان به خدا فطری است و با تذکر انسان‌ها، آن‌ها متوجهی توحید فطری خود می‌شوند به همان روش قرآنی.

بقیه‌ی سوالات طلب‌تان باشد. چون از جواب سوالات کاربران محترم باز می‌مانم و اساساً بنا بر این است مباحثی که در کتاب‌ها هست، مورد سؤال قرار گیرد. این نوع سوالات نیاز به کتاب‌های مفصلی دارد که بحمدالله در معرض مطالعه‌ی عزیزان هست. موفق باشید